

«جایزه جهانی ادیان توحید» - موزه امام علی (ع) - تهران

# پوسترهایی که دل را می ربایند

احمد رضا لوند



بنابر محدودیت‌های نهفته در تعریف پوستر، نوعی ساده سازی در بیان مضمون اتفاق می افتد تا با زبان عاری از ابهام و پیچیدگی پوستر هماهنگ شود. درست در چنین موقعیتی است که پوستر قادر به ترجمه عالی ترین مفاهیم و ارزش‌ها به واژگانی همه فهم می شود.

از سویی، هر طرح واژگان بصری لحن و روش خاص خود را دارد که در مواجهه با مضامین توحیدی، و با پذیرش چنین مفاهیمی، در واقع به ظرفیت سازی‌های جدیدی در واژگان بصری خود مبادرت می ورزد؛ نوعی فرهنگ سازی که ابتدا در ذهن و در قلب طراح جوان همی زند تا او با قریحه و مهارت خود، آن را در کاغذ پوستر منجلی سازد. از چنین منجلی شیوه این اتفاق‌های خجسته، نافذترین و مؤثرترین شیوه فرهنگ سازی محسوب می شود.

ارموزه در بسیاری از نقاط جهان (بخصوص کشورهای مسلمان) جریان زلال از پوسترهای دینی در حال پیدایش است. در هند، پوسترهای دینی را «عکس‌های خدای» می نامند. در ایران، اسامه الهی و نام‌های مقدس همچون محمد(ص) و علی(ع) موضوع‌های متعارفی برای خلق آثار هنری در طول تاریخ بوده‌اند و سابقه‌ای از دیرینه در نقوش هنرمندانانه انوش کاشیکاری‌های مساجد و اماکن متبرک، گنجگاری‌ها، نقوش به کاررفته در برخی الواح و ظروف و کاربردهای بی شمار در آثار خوشنویسان و همچنین در کتب هنرمندانه‌ای که پیش از آن که کتاب به حساب آیند، اثری یگانه تلقی می شوند؛ دارند. اما کاربرد مفاهیمی همچون ادیان توحیدی و اسامه الهی در قالب پوستر، واجد اهمیت خاصی است که باید هوشمندانه به آن توجه داشت؛ پوستر «زبان مافوق و آشنای انسان معاصر است، پوستر رسانه‌ای کوچک، کارا و صمیمی است که از محصولات انقلاب صنعتی است و پیش از یک قرن است که در تکامل فنون چاپ، نقش ارتباطی، اجتماعی و حسنی زیبایی‌شناسی خود را در میان مردمان مختلف در همه جای دنیا به خوبی ایفا می کند.

از این باب، انتخاب پوستر در بیان و انتقال مفاهیم ارزشی،

پوستر» بنابر تعریفی که در کتاب‌های لغت ارائه شده، «مصحف‌ای است که بر روی دیوار نصب می شود تا مفهومی را نشان دهد و یک مأموریت بیشتر ندارد و آن، انتقال مفهوم در رساترین و ساده ترین شکل ممکن است.»

پوستر، کارگردهای متنوعی دارد: پوستر تبلیغاتی، پوستر سیاسی، پوستر آموزشی، پوستر فرهنگی و ...

پوستر، فارغ از این که در کدام یک از گرایش‌های مورد نظر عرضه شود، از دو عنصر «نقش» و «نوشته» ساخته می شود. در کنار انبوه پوسترهایی که به تبلیغ یک کالا، یک فیلم یا یک سینما می پردازند؛ «پوسترهای دینی» با وقار و آراست خاص خود، کم کم حضور قدرتمند خود را ابلاغ می کنند.

پوسترهای دینی را شاید بتوان مهمترین پوسترها در جهان به حساب آورد چرا که غالباً این تمایل را در مخاطبان ایجاد می کنند که یک نمونه از پوستر را در اختیار داشته باشند. در این پوسترها نه کالایی تبلیغ شده و نه فیلمی معرفی می شود، در پوسترهای دینی ارزش‌های متعالی با زبانی روشن و جلوه ای دلنشین بازتابانده می شود.

پوسترهای دینی، همانند یک قطعه هنر که زبانی زلال و روان دارد و مفاهیمی ارزشمند را روایت می کند؛ در چشم و دل مخاطب جای می گیرد. در واقع، پوسترهای دینی در صدد جلب نگاه مخاطب نیستند، این پوسترها دل را می ربایند...

نگاه و نیت مخاطبانی که هدف پوسترهای تبلیغاتی هستند و با ترفندهای «چشم‌ربایی» آن پوسترها کمابیش آشنایند؛ در مقابل پوسترهایی که با وقار و ملامت، می خواهند راهی به قلب او بچینند، تعامل بیشتری دارند.

این یک حقیقت است که پوسترهای دینی به عنوان یک «آثار» جدید در طراحی پوستر، می تواند به گرافیک معاصر ایران چهره ای متفاوت، مشخص و نو ببخشد. بر گزافی چنین نمایشگاه‌هایی به عنوان نخستین تلاش‌ها در جهت مستندسازی حوزه‌ای که دیگران در آن وارد نشده‌اند، می تواند امتیازی ویژه برای هنر معاصر باشد.

پوستر، زمانی که آراسته به مضامین توحیدی و الهی شود،



جایزه جهانی ادیان توحیدی با هدف کوشش برای تقویت تلقی توحیدی ادیان نیز بیان ظرفیت غنی هنر در تبیین آموزه‌های انبیا. در سالی که به نام پیامبر رحمت (ص) نامگذاری شد، در تهران به اجرا در آمده است.

این نمایشگاه بین‌المللی با مشارکت ۵۶۶ هنرمند و ۹۱۷ اثر از ۲۵ کشور جهان، در موزه امام علی (ع) برقرار است. همزمان با این نمایشگاه، بخشی از آثار مربوط به نمایشگاه «نگاره‌های انبیا»، یا «تزیین و تذهیب ایرانیان بر کتب آسمانی» که مقران یا میلاد حضرت مسیح (ص) است نیز به مدت یک ماه برپا می شود.

یک انتخاب پسنده و خلاقانه است که با توجه به گنج عظیم برجای مانده از تاریخ هنر و معماری ایرانی و اسلامی، می توان موجهی از آفرینش خلاقانه را در قالب پوستر به روی جهانیان باز کنیم.

سال هاست که در حیطه گرافیک روز جهان، از «شیوه سونیسی»، «شیوه ژاپنی»، «هلندی»، «آمریکایی» و ... بسیار گفته، شنیده دیده می شود. بسیار آتسف انگیز است که شیوه ایرانی و باید در اعماق تاریخ و در لابه لای کتب مصور و بر تارک انبیه مذهبی ساخته شده در چند سده گذشته جست وجو کرد. جایزه جهانی ادیان توحیدی، می تواند راهی به سوی دستیابی به مؤلفه‌های خلق آثار آری با هویت مذهبی و ملی ما باشد.

چنانچه از چنین دیدگاهی به خود و دنیای اطراف نگاه کنیم، بی تردید می توان جایگاهی بسیار فراتر از آن چیزی که سینمای امروز ایران به دست آورده است، دست پیدا کنیم. چرا که طراحی و تولید پوستر، در مقایسه با فیلم، از نادرکات بسیار کمتر و سهولت بسیار بیشتری برخوردار است؛ به طوری که اصلاً قابل قیاس نیستند.

نمایشگاه کلاهای عبدالحمید بازوکی

## عکس برتر از اصل!



نگارخانه‌اشتر، در آذر دی ۸۵ مجموعه‌ای از آثار کلاهای عبدالحمید بازوکی را به نمایش گذاشته است. در شرایطی که همه تا دستنشان به طراحی و نقاشی باز می شود شروع می کنند به کار با آبرنگ، گواش، آکرلیک و ... و از سطح کاغذ یا بوم نقاشی فراتر نمی روند؛ باید از تجربه‌هایی که در تنوع ابزار و مصالح تکیه دارند استقبال کرد. در عین اجرای چنین تجربی برای هنرهای تصویری ما ضروری است. یکی از دستاوردهای هنر مدرن، راهی نقاشی از محدوده‌های ناشی از کار بر روی سه پایه، و بوم و است.

اگر شیوه‌های دیدن و روش‌های اجرا وارد شد، دیگرگون شده، لایه این توقع که رفتارهای اجرایی و نحوه پردازش نیز از کاربرد ابزارهای آثار مثل آبرنگ، گواش، رنگ روغن و ... فراتر رود؛ بی جای نیست و ضرورت دارد که کنشکار در کشف مواد و ماتریال Material متنوع جدید، در دستور کار قرار گیرد.

انگیزشیده و به آزمون و خطا در استفاده از ابزارهای مختلف برود.

عبدالحمید بازوکی نیز در آخرین آثارش ما را به دیدن انواع آزمون‌ها و خطاهای یک نقاش می کشاند. او در استفاده از چوب، فلز، خمیر کاغذ، پر، ... و ایجاد انواع بافت‌ها و حساسیت‌های بصری، چیزی بیشتر از آن چه تاکنون دیده ایم و می شناسیم در مقابل ما قرار نمی دهد. در چفت و پیس و ساختار کلاهای او چیزی که بتوان صفت دلچسب، دیدنی و حیرت آور او را به آن افلاک کرد، دیده نمی شود. کلاهای بازوکی برای قاب شدن و به دیوار نصب شدن اصلاً مناسب نیستند. اشاره به این نکته بسیار با معناست؛ قبل از آن که «اصل کلاهای او را ببینم، عکس کلاهای او دیده بودم، تصویری که عکس کلاهایش در من ایجاد کرده بود، با آن چه از دیدار «اصل کلاهایش مشاهده کردم، بسیار فاصله داشت و نکته» درست در همین جا است. اصل یا اورژینال (Original) آثار بازوکی باید از فرایند شیمیایی عکاسی عبور کنند. اگر تصویر عکاسی شده می تواند این اندازه کلاها را منجول دیدنی و حیرت آور جلوه دهد، چرا نباید «عکاسی» را به finishing (اجرای نهایی) این کلاها اضافه کرد؟ می توان عکس‌هایی با ابعاد نسبتاً بزرگ از کلاهای موجود تهیه کرد و با عنوان: فتو کلا photo-collage، نمایشگاهی درخشان، غیرمنظره و دیدنی برپا کرد. اتفاقی که در نمایش «اصل کلاهای بازوکی رخ نداده

به مناسبت نمایشگاه آثار نیکزاد نجومی

## ورطه‌های یک روح ناآرام



در نخستین روز دی ماه، گالری هامر ۲۲ اثر طراحی از نیکزاد نجومی نقاش و انیماتور با سابقه را به نمایش گذاشته است. نجومی متولد ۱۳۲۰ کرمانشاه، فارغ التحصیل رشته نقاشی از دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۶ و مدرسه هنرهای بصری نیویورک در رشته پژوهش و فنون هنر ۱۳۴۸ (۱۳۵۱) و همچنین فارغ التحصیل دانشگاه هنری شهر نیویورک در رشته نقاشی در سال ۱۳۵۳ است. او یکی از پرکارترین تصویرگران کتاب‌های کودکان و نشرهای در کانون پرورش فکری در دهه ۵۰ بوده و برای تصویرسازی کتاب گل پلور خورشید، از فستیوال بلونبای ایتالیا جایزه تصویرسازی برتر را به دست آورده است.

نیکزاد نجومی نقاشی است؛ (۱) مضمون (۲) فیگوراتیو و (۳) تلخ اندیش، که مضامین انسانی اش را در چشم اندازهای تیره و تیره به تصویر می کشد. در سبب متفاوت در آثار او آشکارا دیده می شود؛ یکی بوی روان شناسانه دیگری زیبایی شناسی خاص او.

نکته حائز اهمیت در آثار این هنرمند، امتزاج و پیوند درونی میان ورطه‌های یک روح ناآرام در کاغذ فیگورهای لطمه دیده و می شناسنامه است.

نوع نگاه و شیوه اجرایی آثار نیکزاد نجومی به گونه‌ای است که به نظر می رسد با «دیده نگاری» و اجزای اتفاقی و ناگهانی حاصل شده‌اند، اما جالب است بدانیم که او اصلاً یک نقاش دیده نگار نیست. هرچند که از نشانه‌های آثارش می توان فهمید که خیلی هم اهل حک و اصلاح نیست. به هر حال، نیکزاد نجومی کنترل خوبی در مهارت دست و دل خود دارد. شاید اگر غیر از این می بود، آثارش جنبه‌های دیدنی و جذابیت‌های بصری خود را از دست می دادند. در همه آثار نجومی، اعم از نقاشی‌های «چند ساعتی» و «بومولوژی‌های تک ساحتی» (تک گفتاری‌ها)، نوعی گرافیسم دلچسب در سازماندهی صفحه به طرز پنهان حس می شود.

نجومی به سبیدی اغاغ و به مهارت همی در تلخ ترین و خشن ترین آثارش توجه ویژه ای دارد. شاید این ترکیب و مرامات مسخوف سفید و مهارت‌های او را تجارب دوران جوانی اش به عنوان تصویرگر در کانون پرورش فکری در کنار مرتضی میرزا فریدین مقلان، علی اصغر محتاج و عباس کیارستمی به دست آورده باشد. به هر حال، آثار هرچند هم که مشخوف و بیقراری، تلخی، غرابت و تیرگی باشد، اما در کنترل کامل او خلق می شوند. نجومی خنده و ابتهاق را نیز کنترل می کند.

نیکزاد نجومی با آثارش به توجه تعلقات بشری نمی پردازد. او سادانه عوارض ناشی از همه آن چیز سخنی که «واقعیت» نامیده می شود را توضیح می دهد.

زمانه سخت بر او مؤثر هستند و تا سرحد پنهانی ترین احساسات او نفوذ می کنند به گونه‌ای که همه آثار نیکزاد نجومی بزبان انسان و موقعیت تراژیک انسان در جوامع امروزی است. تأثیراتی نیز از هنر مردم گرای آمریکایی موسوم به «Popart» و بویژه از «دارت راولینگر» و «جاسپر جونز» نیز دریافت کرده است. آثار ترکیبی و یکپارچه‌ای از هنرندان مردم گرای (Popular) مکزیکایی نیز بر او تأثیر نبوده‌اند. فضا سازی آثار نجومی، جغرافیای خاصی ندارد. او با حذف پرسپکتیو و لاجرم با حذف بعد مکان، انسان را در معرض نگاهي جشنشول قرار می دهد.

طرح‌ها و نقاشی‌های او همواره چیزی، حرفی و نکته‌ای برای گفته نشدن و در برده ماندن دارند. این مسأله حتی در بومولوژی (تک گوئی)‌های نقاشی نیز زیست می شود.

نیکزاد نجومی در آثار خلوت که تصویر تنها یک آدم را نشان می دهد، به نوعی بومولوژی خاموش که با خط و رنگ هستن ساخته شده است، دست می زند. در واقع بومولوژی‌های بعدی او، سبند پرسنالی‌اش را هم کرده‌ای هستند که در بر سه‌های جنون آمیز و ترس‌های آشکار و پنهان دنیایی بی عاطفه‌ها شده‌اند. گرافیسیم (Graphism) نیکزاد نجومی، جغرافیای خاصی ندارد. او با حذف پرسپکتیو و لاجرم با حاصل نمی شود، گاهی او طرحی آزاد، یک ترک تکیه بندی هندسی را به گونه‌ای به تصویر می کشد که گویی بیانی احساسی از یک شکل از گرافیک را مرئی ساخته است. از این طریق، یعنی بیان احساسی یک شکل از گرافیک، آن را آزاد می سازد و به آن نوعی نوعی انباشتی می دهد. در حالی که یک شکل از گرافیک زمانی که با کامپیوتر طراحی می شود، احساس بسیار حرفی ایجاد می کند.

نیکزاد نجومی در جهان بر ساخته از نقاشی‌های نیکزاد نجومی، شعور آمیزدای آن‌ها به دست می آید انتقال کرد، چرا که در هر طره واقعیت‌های عینی و بی‌زبانه‌های چسبنده و کوچک غریزی در نوسان است. آدم‌های حاضر در این طرح‌ها و نقاشی‌ها از درک جهانی زیستار، نوبانی تر و ناب تر عاجزند.

نیکزاد نجومی با آثارش به توجه تعلقات بشری نمی پردازد. او سادانه عوارض ناشی از همه آن چیز سخنی که «واقعیت» نامیده می شود را توضیح می دهد.